

بررسی افزوده‌های تفسیری برخی از آیات سوره کهف و مریم در ترجمه‌های معاصر

دکتر مهدی ایزدی^۱

باب الله محمدی نبی‌کندی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱

چکیده

سبک بیانی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معانی و مفاهیم ژرف آن جز با افزودن عبارتهای تفسیری مقدور نیست. از این رو با همه تلاشی که نویسندگان و مترجمان نموده‌اند، بازهم پاسخگوی خوانندگان نیست. دلیل این امر، وجود آیات مجملی است که دلالتشان روشن نیست. بنابراین مترجمان برای تبیین برخی آیات، افزوده‌های نمایان شده‌ای در ترجمه خویش به کار برده‌اند. اغلب این افزوده‌ها با استناد به تفاسیر و کتاب‌های سبب نزول یا مباحث کلامی و اصولی انجام شده است. مقاله حاضر افزوده‌های تفسیری برخی از آیات سوره‌های کهف و مریم را از شش مترجم معاصر «الهی‌قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مشکینی و مکارم» با توجه به تفاسیر و روایات موجود تحلیل و بررسی می‌نماید. در این زمینه ابتدا آیات و ترجمه آن استخراج گردیده و سپس نظریه‌های تفسیری برای تبیین کار مترجم آورده شده است و در پایان نیز تحلیل و بررسی بر اساس تفاسیر در هر آیه انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، سوره کهف، سوره مریم، افزوده‌های تفسیری، ترجمه‌های معاصر.

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام . Dr.K.izadi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دانشگاه معارف قرآن کریم تهران (نویسنده مسئول) . babbavba@yahoo.com

مسلمانان در مدت چهارده سده، به سبب اینکه قرآن، مهم‌ترین منبع برای بررسی‌ها و پژوهش‌های اسلامی، محسوب می‌شود، به فراگیری و آموزش آن پرداخته و بر محور آن بررسی‌های گوناگونی را سامان داده‌اند؛ به طوری که قرآن را می‌توان یکی از پر ترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. این کتاب با اهداف گوناگونی توسط مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان ترجمه شده و این رویکرد همچنان رو به افزایش است. موضوع ترجمه قرآن از زمانی که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید، مطرح شد؛ و این بحث میان عالمان و دانشمندان اسلامی، مخالفان و موافقانی پیدا کرد. بعضی به تحریم ترجمه قرآن حکم دادند و در مقابل، گروهی دیگر از عالمان ترجمه قرآن را روا شمردند. دلایل مخالفان ترجمه قرآن را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- قرآن اثری شامل نظم و معناست که وقتی ترجمه شود، نظم و بخشی از مفاهیم آن از بین خواهد رفت.

۲- زبان قرآن، رمز وحدت مسلمانان است، و ترجمه آن برای یگانگی مسلمانان زیان‌بخش است.

۳- قرآن دارای جهاتی مانند اعجاز، استنباط و ضرب‌المثل‌ها است که ترجمه‌پذیر نیستند.

۴- ترجمه قرآن در واقع، فهم مترجم از قرآن است نه تمام معنای قرآن. بنابراین قرآن نیست.

در مقابل، دلایل موافقان ترجمه قرآن چنین است:

۱- ترجمه سوره حمد توسط سلمان برای ایرانیان و ترجمه سوره مریم برای پادشاه حبشه و ترجمه نامه‌های حضرت محمد ﷺ که حاوی آیات قرآن بود، در زمان پیامبر اسلام انجام پذیرفت و ایشان با هیچ یک از آنها مخالفت نکردند.

۲- فتوای ابوحنیفه و بسیاری از دانشمندان اهل تسنن، همچنین نظر حضرات آیات عظام بروجردی و خوئی و دیگران بر مجاز بودن ترجمه قرآن^۱.

۳- دعوت اسلام، ویژه عرب‌ها نبوده، بلکه اسلام دین جهانی است و باید آن را با ترجمه برای جهانیان تبلیغ کرد. نشر قرآن بدون ترجمه برای ملتی که زبان عربی نمی‌دانند، کمتر مفید است.

۴- در برابر ترجمه‌های غلط و مغرضانه قرآن که یهودیان و مسیحیان و دیگران انجام داده‌اند، باید ترجمه‌هایی صحیح و مورد اعتماد ارائه شود؛ و در ثانی سبک بیانی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معانی و مفاهیم ژرف آن جز با افزودن عبارات‌های تفسیری مقدور نیست و چاره‌ای از اعمال تغییرات دیگر وجود ندارد.

ما در این مقاله افزوده‌هایی را که مترجمان (الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مکارم و مشکینی) در ترجمه‌هایشان از قرآن در برخی از آیات سوره‌های کهف و مریم ذکر نموده‌اند، از لحاظ ضرورت بیان آنها و موافقت یا عدم موافقتشان با آرای مفسران و حتی المقدور از روایات بررسی خواهیم کرد. قابل ذکر است ترجمه‌هایی که عبارات افزوده مؤثر داشته آورده شده و از ذکر بقیه ترجمه‌ها خودداری شده است. و افزوده‌های مشترک حتی‌الامکان سعی شده است که با هم دیگر نقد و بررسی شوند.

آیه اول

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا﴾ (کهف/۱۲)

ترجمه الهی قمشه‌ای: پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه (مؤمنان اهل کتاب که در خواب اصحاب کهف اختلاف داشتند) مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد.

۱. ربیع نتاج، سید علی اکبر، «ادله علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم»، نشریه زبان و علوم قرآن، ش ۳ و ۴.

نظریه تفسیری

مراد از دو حزب، دو طائفه از اصحاب کهف است که در مدت بودن در غار با هم اختلاف کردند.^۱ اما این احتمال که بعضی داده‌اند که منظور از دو حزب، دو طائفه از مردم بوده‌اند که درباره خواب اصحاب کهف اختلاف کرده‌اند، معنای بعیدی است.^۲

تحلیل و بررسی

افزوده قمشه‌ای از نظر علامه و برخی از مفسران در معنای صحیحی به کار برده نشده است، هرچند که این افزوده با رأی شیخ طبرسی مطابقت دارد.^۳ مفسران درباره این دو گروه در آیه مورد بحث اختلاف نظرهایی دارند. برخی گفته‌اند دو گروه، از اهل مدینه هستند، برخی دیگر دو گروه را مؤمن و کافر دانسته‌اند و برخی دیگر که قول ارجح است آن دو گروه را از اصحاب کهف دانسته‌اند که در مدت خوابشان اختلاف پیدا کردند. مفسرانی همچون قرشی،^۴ طنطاوی^۵ و نجفی خمینی^۶ این نظر را بیان کرده‌اند. گواه بر این قول آیه ۱۹ همین سوره است که می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ...﴾؛ ما آنان را این چنین برانگیختیم تا (درباره مدت خوابشان) از یکدیگر جویا شوند.^۷ بنابراین مترجم مذکور باید دقت نظر بیشتری به عمل می‌آورد.

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۴۹.

۲. همان.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۹۸.

۴. بنگرید به: قرشی، علی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، ج ۶، ص ۱۹۰.

۵. بنگرید به: طنطاوی، محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۸، ص ۴۷۸.

۶. بنگرید به: نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۱۰، ص ۲۳۱.

۷. نگارنده.

آیه دوم

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف/۶۵)

ترجمه الهی قمشاهی: در آنجا بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند که او را رحمت و لطف خاصی از نزد خود عطا کردیم و هم از نزد خود وی را علم (لدنی و اسرار غیب الهی) آموختیم.

نظریه تفسیری

تعبیر به - مِنْ لَدُنَّا - نشان می‌دهد که علم آن عالم یک علم عادی نبود، بلکه آگاهی از قسمتی از اسرار این جهان و رموز حوادثی که تنها خدا می‌داند بوده است.^۱

ترجمه خرمشاهی: آن‌گاه بنده‌ای از بندگان ما [خضر] را یافتند که به او رحمتی از سوی خویش ارزانی داشته و از پیشگاه خود به او علم آموخته بودیم.

نظریه تفسیری

کسی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به دنبالش می‌گشت حضرت خضر عَلَيْهِ السَّلَام بود.^۲ **ترجمه صفارزاده:** آنها [در بازگشت به آن نقطه] با بنده‌ای از بندگان ما که او را مشمول رحمت خود ساخته و خودمان به او علوم الهی تعلیم فرموده بودیم، روبه‌رو شدند.

نظریه تفسیری

افزوده با توجه به **تفسیر نمونه** صحیح است. آیه الله مکارم می‌گوید: «هنگامی که موسی و یار همسفرش به جای اول، یعنی در کنار صخره و نزدیک

۱. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۱۲، ص ۴۸۶.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۶، ص ۷۴۵.

مجمع البحرین بازگشتند، ناگهان بندهای از بندگان ما را یافتند»^۱.
ترجمه مشکینی: پس بندهای از بندگان ما را یافتند که او را از جانب خود
رحمتی داده (وحی و نبوت، طول عمر، اختفاء از انظار و بی‌نیازی از مردم در
زندگی) و او را علم لدنی و الهامی بدون واسطه آموخته بودیم.

نظریه تفسیری

افزوده اول: او بندهای بود که ما او را نبوت و به قولی طول حیات بخشیده و
از علم غیب او را تعلیم داده بودیم.^۲

تحلیل و بررسی

مفسران درباره مصادیق رحمت خداوند به موسی عليه السلام که مرحوم آیه الله
مشکینی در افزوده دوم به کار برده است، اقوال مختلفی دارند. فخررازی^۳ و
سمرقندی^۴ نبوت را به عنوان رحمت خدا بیان کرده‌اند. زمخشری^۵، بیضاوی^۶،
آلوسی^۷ و فیض کاشانی^۸ وحی و نبوت را ذکر کرده‌اند. علامه نبوت و ولایت را
به کار برده است.^۹ و در کشف الاسرار نبوت، اطاعت، طول عمر، رزق حلال،
زندگی راحت، عزت در نزد مردم، عدم احتیاج به آنان و در نهایت نبوت را

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۸۶.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۴۶.

۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۴۸۱.

۴. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، ج ۲، ص ۳۵۴.

۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۰۳.

۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۲۸۷.

۷. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۳۰۲.

۸. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۵۲.

۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

رحمت خداوند به حضرت موسی علیه السلام برمی شمارد.^۱ ولی اکثر مفسران نبوت و وحی را مایه رحمت خداوند به موسی علیه السلام دانسته‌اند.^۲ بنابراین قول آیه الله مشکینی و مترجمان دیگر بهتر است که همان نبوت و وحی را در افزوده به کار گیرند، هرچند که مترجم مذکور (مشکینی) با توجه به تفاسیر، افزوده قابل قبولی را به کار برده است.

آیه سوم

﴿ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴾ (کهف/۹۵)

ترجمه الهی قمشاهی: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده (از هزینة شما) بهتر است، اما شما با من به قوت بازو کمک کنید (مرد و کارگر از شما، وسایل و هزینة آن با من) تا سدی محکم برای شما بسازم.
ترجمه خرمشاهی و فولادوند: گفت: تمکنی که پروردگرم به من داده است بهتر [از خراج شما] است، ولی مرا به نیرو [ی انسانی] یاری دهید که بین شما و ایشان حایلی بسازم ...

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول: مال و ثروت و قدرتی که خداوند به من ارزانی داشته است، از آنچه شما به من می‌دهید بهتر است.^۳
افزوده دوم: من از شما خرج نمی‌خواهم و اما سدی که خواستید اگر بخواهید بسازم باید کمک انسانی‌ام کنید؛ یعنی کارگر و مصالح ساختمانی بیاورید، تا آن را بسازم.^۴

۱. میدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۵، ص ۷۱۷.

۲. نگارنده.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۶۳.

۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۴۹.

ترجمه صفارزاده: آنچه آفریدگار پروردگارم [از قدرت الهام و علم] عنایت فرموده از پیشنهاد مالی شما برتر است... .

ترجمه مشکینی: گفت: آنچه خدا برای من توان و تسلط بر آن را داده (از قدرت نقشه‌کشی و معماری و تهیه وسایل، از کمک مالی شما) بهتر است... .

نظریه تفسیری

آنچه را که پروردگار من به من تمکن داده از کثرت مال و استعداد و قوت در عمل بهتر است از آنچه نزد شماست.^۱ این تفسیر تقریباً با افزوده آیه الله مشکینی مقاربت معنایی دارد. توضیحات بیشتر در تحلیل و بررسی آورده می‌شود.

ترجمه مکارم: آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید)... .

نظریه تفسیری

آنچه خدا در اختیار من گذارده از آنچه شما می‌خواهید بگذارید بهتر است و نیازی به کمک مالی شما ندارم.^۲

تحلیل و بررسی

مترجمان در این آیه بیان می‌دارند که قدرت و مالی که خداوند به ذوالقرنین عطا نموده است از هزینه‌های مردم بهتر است. از مترجمان آقای خرمشاهی قدرت الهام و علم را افزوده‌ای برای عنایت پروردگار به ذوالقرنین در نظر گرفته است، ولی مفسران در تفاسیر خویش مال، قدرت، ملک و وسعت را عنایت

۱. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۸، ص ۷۷.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

خداوند به ذوالقرنین در اینجا بیان کرده‌اند. در تفسیر *انوار التنزیل*^۱ و *التفسیر الوسیط*^۲، رزق و مال و قوت بیان شده است. در تفسیر *المیزان*^۳ قدرت و مال بیان شده و در تفسیر *الجدید فی تفسیر القرآن* مال و پادشاهی مصادیقی است که مفسر در این امر به کار برده است.^۴ بنابراین بهتر این بود با توجه به اقوال مفسران، مترجمان، مرحوم آیه الله مشکینی و به ویژه آقای خرمشاهی دقت بیشتری در این افزوده به عمل می‌آوردند.

آیه چهارم

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (مریم/۳۷)

ترجمه الهی قمشاهی: آن‌گاه طوایف مردم (یعنی نصاری) در میان خود (درباره مسیح پسر مریم) اختلاف کردند (برخی او را از کفر و جهل، خدا دانستند و برخی پسر خدا و برخی پسر یوسف نجارش^۵ خواندند)، پس وای بر این مردم کافر از حضور در آن روز بزرگ (قیامت).

نظریه‌های تفسیری

نصاری درباره حضرت عیسی عليه السلام دچار شبهه شدند. برخی گفتند او سومین آن سه نفر است: خداوند معبود است، او هم معبود، و مادرش هم معبود! و بعضی گفتند عیسی پسر خداست، چنانچه قرآن خبر داده که ﴿وَقَالَتِ الْنَّصَارَى

۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. طنطاوی، محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، ج ۶، ص ۵۷۴.

۳. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۳، ص ۳۶۴.

۴. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج ۴، ص ۳۶۳.

۵. بر اساس روایتی، یوسف مدتی شاگرد زکریا بود و از او نجاری می‌آموخت. به عقیده مسلمانان و اکثریت مسیحیان وی پدر عیسی به شمار نرفته و با مریم همبستر نشده است. یوسف نجار بیشتر نقش پدرخوانده را برای عیسی بازی می‌کند و به عقیده مسیحیان نسب وی به ابراهیم می‌رسد. او یوسف پسر یعقوب نیست.

۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۳، ص ۷۱.

الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ﴿ (توبه/۳۰).^۱ برخی دیگر وی را پسر یوسف نجارش خواندند.^۲
 ترجمه صفارزاده: اما گروه‌ها [درباره مسیح] اختلاف نظر پیدا کردند [گروهی
 او را فرزند خدا خواندند، گروهی تهمت به مادر حضرت زدند و گروهی به
 اقانیم ثلاثه معتقد شدند]. پس وای به حال کافران از محل دیدار آنها با روز
 سهمگین رستاخیز!

نظریه‌های تفسیری

نصاری درباره حضرت عیسی عليه السلام دچار شبهه شدند. برخی گفتند او یکی از
 اقانیم ثلاثه (سه ذات مقدس) است، اب و ابن و روح القدس (خدای پدر، خدای
 پسر و روح القدس)^۳!

هر گروهی پس نمودند اختلاف بین خود از ناصواب و از گزاف
 وای آن کو گشت کافر بی‌زبیم وقت حاضر گشتن روزی عظیم
 ناروایی گفت یا حرفی قبیح در حق عیسی و مریم از صریح^۴
 ترجمه مشکینی: پس گروه‌ها از میان آنان (نصاری، درباره وی) اختلاف
 کردند. (برخی گفتند او خداست، و برخی گفتند او فرزند خداست). پس وای به
 حال کسانی که کفر ورزیدند از حضور در روزی بزرگ.

نظریه تفسیری

در تفسیر کاشف بیان شده است: بعضی گفتند: او خداست که به زمین نازل
 شده است! عده‌ای را زنده کرده و عده‌ای را میرانده، سپس به آسمان صعود کرده

۱. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۸، ص ۱۱۷.
۲. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ج ۳، ص ۴۷۵.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۷۱.
۴. صفی علی‌شاه، حسن بن محمد باقر، تفسیر صفی، ج ۱، ص ۴۴۸.

است، بعضی دیگر گفتند او فرزند خداست.^۱

تحلیل و بررسی

مترجمان سه وجه را در مورد حضرت عیسی علیه السلام که نصاری یا یهود به ایشان نسبت داده‌اند، بیان کرده‌اند: ۱- وی خداوند است؛ ۲- پسر خداست ۳- پسر نجار است. و یک وجه را هم درباره مادر حضرت عیسی علیه السلام بیان نموده‌اند و آن تهمتیه است که به ایشان نسبت دادند. با توجه به تفاسیر بیان شده، مترجمان افزوده‌های صحیحی را به کار برده‌اند. قابل ذکر است که مرحوم الهی قمشه‌ای افزوده‌های برتری را به کار برده است.

آیه پنجم

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾
(مریم/۵۸)

ترجمه الهی قمشه‌ای: اینان (که از زکریا تا ادريس اوصافشان یاد شد) همان رسولانی هستند که خدا از میان همه اولاد آدم و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم، آنها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید (و حال آنها در بندگی چنان است) که هرگاه آیات خدای رحمان بر آنها تلاوت شود با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند.

نظریه‌های تفسیری

اینها که مذکور شدند از زکریا تا به ادريس علیه السلام هستند که خدای تعالی آنان را

۱. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۱۸۱.

انعام کرده است.^۱

افزوده دوم و سوم: چون آیات خدا بر مؤمنان تلاوت شود و آنان اوامر و نواهی خدا را بشنوند و به برنامه‌های اخلاقی او آگاه شوند به سجده می‌افتند و این سجده را دلالت بر این است که آنچه را شنیده‌اند قبول کرده‌اند و آماده اجرای آنها هستند. سجود اظهار خشوع است به عمل و گریه اظهار خشوع در روح؛ زیرا آدمی آن‌گاه که تحت تأثیر موعظه‌ای قرار گیرد اشکش جاری می‌شود.^۲ در کتب مناقب،^۳ بحار الأنوار^۴ و تأویل الآیات^۵ از امام زین‌العابدین علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است که به هنگام تلاوت این آیه، فرمود: «نحن عیننا بها»؛ مقصود از این ما هستیم.

ترجمه مشکینی: اینان (این انبیاء ده‌گانه و مریم) کسانی هستند از پیامبران که خداوند به آنها نعمت (نبوت، دین و کتاب آسمانی) عطا کرده، از اولاد آدم، و از کسانی که آنها را همراه نوح به کشتی نشان‌دیم (مانند غیر ادریس) و از اولاد ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که آنها را هدایت کردیم و برگزیدیم، هنگامی که آیات خدای رحمان (آیات کتاب‌های آسمانی یا نشانه‌های توحید و عظمت او) بر آنها خوانده می‌شد گریان و سجده‌کنان بر رو درمی‌افتادند.

نظریه‌های تفسیری

علامه کلمه «اولئک» را اشاره به نامبردگان در آیات قبل می‌داند که عبارت‌اند از: زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل

۱. کاشانی، ملافتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، ص ۴۱۸.

۲. گروه مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۶۳.

۳. بنگرید به: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۲.

۴. بنگرید به: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۷.

۵. بنگرید به: حسینی استرآبادی، شرف‌الدین، تأویل الآیات الظاهره، ص ۲۲۹.

و ادريس عليه السلام.^۱ قرشی در تفسیر خویش می‌گوید: «اولئك» اشاره است به هشت نفر: زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، موسی، هارون، اسماعیل و ادريس، آن وقت فرموده: اینها کسانی هستند که خدا به آنها نعمت داده و از ذریهٔ آدم می‌باشند. این شامل هر هشت نفر می‌شود و از ذریهٔ آنها هستند که در کشتی نوح بودند، این شامل هفت نفر می‌شود، زیرا ادريس جد پدر نوح بوده و از فرزندان حمل‌شدگان در کشتی نبود.^۲ مؤلف *اطیب البیان* منظور از نعمت در این آیه را مقام نبوت و رسالت و عصمت و طهارت و سایر نعم دنیویّه و اخرویّه بیان کرده است.^۳ و گنابادی در تفسیر خود نعمت را ولایت بیان می‌کند و می‌گوید: چه ولایت زمینه‌ساز و شالودهٔ نبوت و رسالت است و سایر نعمت‌ها نیز با ولایت نعمت می‌شوند.^۴

افزودهٔ چهارم: طبرسی^۵ و فخر رازی «آیات الرَّحْمَنِ» را آیات قرآن مجید بیان کرده‌اند.^۶ و آقای نجفی خمینی در تفسیر خویش مقصود از «آیات الرحمن» را کتب آسمانی می‌داند؛ زیرا کلمهٔ تلاوت که «تُتلى» از آن گرفته شده در مورد خواندن و قرائت چیزی به کار می‌رود.^۷ و در *تفسیر عاملی* منظور از «آیات» ادله و براهین خداوندی ذکر شده است.^۸

تحلیل و بررسی

کلمهٔ «اولئك» اشاره به یازده تن است. منظور این است که خداوند به اینان

۱. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۴، ص ۴۳.

۲. قرشی، علی‌اکبر، *تفسیر أحسن الحدیث*، ج ۶، ص ۶۳۸.

۳. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، ص ۴۵۸.

۴. گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده*، ج ۳، ص ۹.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، ص ۸۰۲.

۶. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، ج ۲۱، ص ۵۵۱.

۷. نجفی خمینی، محمدجواد، *تفسیر آسان*، ج ۱۱، ص ۱۸۰.

۸. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، ج ۶، ص ۷۲.

نعمت عطا کرده است که عبارت‌اند از: حضرت زکریا علیه السلام تا حضرت ادريس علیه السلام و حضرت مریم علیه السلام نیز جزء ایشان است. هر دو مترجم با توجه به تفاسیر بیان شده افزوده‌ها را به درستی به کار برده‌اند. آیه الله مشکینی نعمتی را که خداوند به پیامبران مذکور عطا نموده است نبوت، دین و کتاب آسمانی می‌داند. هرچند نظریه ایشان با توجه به تفاسیر مربوط در نظریه تفسیری صحیح است، ولی در اکثر تفاسیر همچون *تفسیر القرآن الکریم*^۱، *تفسیر اثنا عشری* و *تفسیر کنز الدقائق*^۲، مقصود از نعمت در ذیل آیه نعمت‌های دینی و دنیوی بیان شده است.

آیه ششم

﴿وَمَا تَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾

(مریم/۶۴)

ترجمه الهی قمشه‌ای: و ما (رسولان و فرشتگان خدا) جز به امر خدای تو از عالم بالا نازل نمی‌شویم، اوست که بر همه جهان‌های پیش رو و پشت سر ما و بین آنها هر چه هست، به احاطه علمی آگاه است و پروردگارت هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد.

ترجمه فولادوند: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم، آینده و گذشته ما و آنچه میان آنهاست، از آن اوست و پروردگارت فراموشکار نیست.

نظریه‌های تفسیری

کلمه «نتزل» به معنای نزول به‌کندی و مهلت است؛ چون از باب تفاعل است که مطاوعه و قبول - نزل - را افاده می‌کند؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «نزله فتنزل»، معنایش

۱. شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، ج ۱، ص ۳۰۳.
۲. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، ص ۱۹۹؛ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۸، ص ۲۴۶.

این است که فلانی او را نازل کرد و او قبول نمود، و سیاق نفی و استثناء، انحصار را می‌فهماند و می‌رساند که ملائکه نازل نمی‌شوند مگر به امری از خدا.^۱ در تفاسیر دیگر نیز فرود آمدن را به فرشتگان نسبت داده‌اند نه به رسولان.^۲

ترجمه صفارزاده: [حضرت جبرائیل گفت:] و ما [فرشتگان] جز به امر آفریدگار و پروردگارت نازل نمی‌شویم. گذشته و حال و آینده ما متعلق به خداوند است و آفریدگار و پروردگار تو [ای پیامبر] هرگز فراموشکار نیست.

نظریه‌های تفسیری

این آیه قوی است که از جانب جبرائیل عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است که فرمود: ما فقط به فرمان خداوند متعال نازل می‌شویم.^۳ همچنین روایتی را احمد بن حنبل از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جبرائیل عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد: چرا در دیدار ما تأخیر کردی؟ فرمود: ما فقط به فرمان خداوند متعال نازل می‌شویم.^۴

ترجمه مشکینی: (مدتی فرشته وحی تأخیر کرد، پیامبر علت را پرسید، گفت:) ما جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم. کارهای آینده و گذشته ما و حال حاضر میان آن دو (و نیز زمان‌ها و مکان‌های پیش رو و پشت سر ما و میان آن دو) همه از آن خداوند است (برای او گذشته و حال و آینده یکسان است و تأخیر طبق مصلحت است) و هیچ‌گاه پروردگارت فراموشکار نیست.

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول: به طرق مختلفه از اهل سنت، و به نقل تفسیر روح المعانی از

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۸۲.

۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۴۰۴.

۳. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین، ج ۴، ص ۱۲۸.

۴. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.

ابن عباس روایت شده است که وقتی جبرئیل در نزول خود تأخیر کرد رسول خدا ﷺ از او پرسید: چرا دیر کردی؟ جبرئیل به وحی الهی گفت: ﴿وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ﴾^۱.

افزوده دوم و سوم: علامه می‌فرماید: اگر مراد از جمله ﴿مَا يَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ﴾ مکان بوده باشد شامل قسمتی از مکان پیش روی ملائکه و مکانی که در آنند و تمامی مکان پشت سر ایشان می‌شود، ولی شامل تمام مکان پیش روی آنان نمی‌شود، و همچنین اگر مراد از آن، زمان بوده باشد، شامل همه گذشته و حال، و قسمتی از آینده، یعنی آینده نزدیک می‌گردد. و حال آنکه سیاق جمله ﴿لَهُ مَا يَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ﴾ به صراحت احاطه را می‌رساند، و با بعضی زمان‌ها و یا مکان‌ها دون بعضی نمی‌سازد.^۲

ترجمه مکارم: (پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز به فرمان پروردگار تو، نازل نمی‌شویم. آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، همه از آن اوست و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده.

تحلیل و بررسی

مرحوم الهی قمشه‌ای جمله ﴿وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ﴾ را به رسولان نیز نسبت داده است، در حالی که مفسران فرشتگان را مصداق این جمله بیان کرده‌اند. البته احتمال دارد که منظور آقای قمشه‌ای از رسولان در این افزوده تفسیری همان فرشتگان باشد که این مطلب همان است که مفسران به آن اشاره کرده‌اند. در این گونه موارد بهتر است که جمله یا کلمه صریح ادا شود. بقیه افزوده‌ها مفید و صحیح هستند.

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۴۳۰.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۸۲.

آیه هفتم

﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّهُمْ عِدَّةَ﴾ (مریم/۸۴)

ترجمه الهی قمشاهی: پس تعجیل در کار آنها مکن که ما حساب (روز و ساعت عذاب) آنان را کاملاً در نظر داریم.

ترجمه فولادوند: پس بر ضد آنان شتاب مکن، که ما [روزها را] برای آنها شماره می‌کنیم.

ترجمه مشکینی: پس بر آنها شتاب مکن، جز این نیست که ما درباره آنها به دقت لحظه شماری می‌کنیم (عمل‌ها و روزها و نفس‌هایشان را می‌شماریم تا وقت عذابشان برسد).

ترجمه مکارم و خرمشاهی: پس درباره آنان شتاب مکن. ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره می‌کنیم!

نظریه‌های تفسیری

کلمه عدّ به معنای شمردن است و عدد اسم مصدر است به معنای شمرده.^۱ ما عمر ایشان را به آخر می‌رسانیم و تا آخرین نفس می‌شماریم، گویا نفس‌های عمر ایشان را در نزد خود ذخیره کرده، و دانه دانه می‌فرستد تا تمام شود، و آن روزی است که وعده عذابشان داده است.^۲ در مجمع البیان آمده است: ما روزها و سال‌های زندگی ایشان را می‌شماریم و آنها را مهلت نمی‌دهیم. ابن عباس گوید: یعنی ما نفس‌های آنها را می‌شماریم. این نفس‌ها تا روز مرگ ایشان، حساب شده و معین است. برخی گویند: یعنی اعمال آنها را می‌شماریم.^۳ آلوسی گوید: یعنی عذاب ایشان نزدیک است و ما روزها و نفس‌های او را

۱. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۱۰.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۸۱۴.

شمارش می‌کنیم.^۱ در *روض الجنان* آمده است که برای عذاب ایشان روزها و ماه‌ها را می‌شماریم.^۲ در کتاب *کافی* از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مقصود شمردن نفس‌هاست و گرنه پدران و مادران روزها را می‌شمارند، یا مقصود این است که ما اعمال آنان را می‌شماریم.^۳ در کتاب *التوحید*^۴ و کتاب *الجعفریات* روایتی از امام علی علیه السلام آورده شده است که ایشان می‌فرمایند: فرشتگان نفس‌های شما را می‌شمارند و همیشه به دنبال شما هستند و اعمالتان را تا به هنگام مرگ ثبت می‌کنند.^۵

تحلیل و بررسی

آنچه از تفاسیر و روایات مختلف به دست می‌آید این است که منظور از شمارش، شمارش روزها، اعمال و نفس‌هاست که در نهایت به عذاب کافر و مشرک می‌انجامد؛ یعنی شمارش برای از دنیا رفتن ایشان و عذاب آنها در قیامت صورت می‌گیرد. مترجمان نیز باید نکات گفته شده را مد نظر خویش قرار می‌دادند، که این کار انجام شده است، ولی آقای فولادوند علت غایی شمارش روزها را بیان نکرده است. آقای قمشه‌ای شمارش روز و ساعت عذاب کفار و مشرکان را بیان کرده است، در حالی که مفسران و راویان حدیث، چنین چیزی را بیان نکرده‌اند. از میان مترجمان مذکور به نظر می‌رسد که آیه الله مشکینی نظریه کاملی را در این زمینه ارائه داده باشد.

۱. آلوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۸، ص ۴۵۰.

۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۳، ص ۱۱۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۳، ص ۲۵۹.

۴. صدوق، محمد بن علی، *التوحید*، ص ۱۵۸.

۵. ابن‌اشعث کوفی، محمد بن محمد، *الجعفریات*، ص ۲۳۹.

نتیجه

آنچه پس از تحلیل و بررسی از مقاله حاضر به دست می‌آید در مطالب ذیل خلاصه می‌شود:

۱- افزوده‌های تفسیری نقش مؤثری در درک و فهم قرآن دارد. از میان مترجمان قرآن، افزوده‌های تفسیری شش مترجم منتخب؛ یعنی «الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مکارم و مشکینی» را در اینجا تحلیل و بررسی نمودیم. از مترجمان مذکور بیشترین افزوده را آیه الله مشکینی و بعد از ایشان مرحوم الاهی قمشه‌ای و کمترین افزوده را آقای خرمشاهی و مرحوم فولادوند به کار برده‌اند.

۲- افزوده‌های به کار رفته از سوی مترجمان غالباً در داخل پرانتز یا کادر قرار گرفته‌اند. در این میان خانم صفارزاده برخی از افزوده‌ها را درون متنی به کار برده که این موضوع گاهی باعث فهم بیشتر مخاطب از قرآن شده است و گاهی نیز برای محققان دشواری‌هایی به دلیل خلط آن با ترجمه متن قرآن برای بررسی افزوده‌ها به وجود آورده است.

۳- مترجمان توانسته‌اند حتی الامکان افزوده‌های مناسبی را با توجه به آرای مفسران به کار برند. از میان مترجمان مرحوم آیه الله مشکینی با اینکه بیشترین افزوده را به کار برده، توانسته است از جهت صحت افزوده‌ها با توجه به اقوال مفسران نیز بیشترین افزوده‌ها را به کار برد. قابل ذکر است افزوده‌های آیه الله مکارم که خود از مفسران قرآن است، با توجه به تفسیر ایشان و تفاسیر دیگر بررسی شد که در بیشتر مواقع افزوده‌های درستی به کار رفته است، اما خانم صفارزاده که افزوده زیادی را نیز به کار برده است، با توجه به آرای مفسران در قسمت تحلیل و بررسی، نقد بیشتری بر ایشان وارد است.

۴- در مقاله حاضر سوره‌های کهف و مریم با توجه به آرای مفسران و لغویان و در برخی موارد با آرای حدیثی تحلیل و بررسی شد. در این اجزاء هر یک از

مترجمان مذکور افزوده‌های مؤثری را به کار برده‌اند، ولی بیشترین افزوده مؤثر را باز هم مرحوم آیه الله مشکینی داشته است، تا جایی که ایشان در برخی از آیات قرآن به تفسیر پرداخته تا افزوده تفسیری. وی با این اقوال نشان داده که از توانایی بالایی در فهم قرآن برخوردار بوده است. بعد از ایشان نیز مرحوم الهی قمشه‌ای افزوده‌های مؤثر و مفیدی را به کار برده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ترجمه قرآن، الهی قمشه‌ای، مهدی، قم، انتشارات فاطمة الزهراء، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
۳. ترجمه قرآن، خرمشاهی، بهاء‌الدین، بی‌جا، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۳ش.
۴. ترجمه قرآن، صفارزاده، طاهره، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رابانه کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۵. ترجمه قرآن، فولادوند، محمد مهدی، تهران، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
۶. ترجمه قرآن، مشکینی، علی، قم، نشر الهادی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.
۷. ترجمه قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
۸. ابن‌اشعث کوفی، محمد بن محمد، الجعفریات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب (علیهم‌السلام)، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، بی‌تا.
۱۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۱۳. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
۱۴. ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید*، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ق.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حسینی استرآبادی، شرف‌الدین، *تأویل الآيات الظاهره*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. حسینی، شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. ربیع نتاج، سید علی‌اکبر، «ادله علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم»، *مشریه زبان و علوم قرآن*، ش ۳ و ۴، زمستان ۱.
۱۹. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. سمرقندی، نصرین محمدبن احمد، *بحر العلوم*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۲. شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، کویت، مکتبه الألفین، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، *التوحید*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۶ ق.
۲۴. صفی‌علی‌شاه، حسن بن محمد باقر، *تفسیر صفی*، تهران، انتشارات منوچهری، ۱۳۱۸ ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. طنطاوی، محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۸. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات

- صدوق، ۱۳۶۰ش.
۳۰. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۱. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. قرشی، سید علی اکبر، *أحسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۳۳. _____، *قاموس قرآن*، بی جا، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۶. کاشانی، ملا فتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۸. گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۹. مجلسی، محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ش.
۴۰. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب اسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، مدرسه علی بن ابی طالب، ۱۴۲۱ق.
۴۲. میبدی، رشیدالدین، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۴۳. نجفی خمینی، محمدجواد، *تفسیر آسان*، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۰ق.